

بررسی زبان‌شناختی گونه‌های حذف در گزارش‌های فوتبال سیما

نیلوفر حسامی^{۱*}، شهرام مدرس خیابانی^۲

۱. کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران
۲. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، البرز، ایران

دریافت: ۹۱/۹/۲

پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۳

چکیده

در این پژوهش میزان و نوع حذف‌های انجام‌شده در گزارش‌های فوتبال سیما را بررسی کرده‌ایم. نخست پیکره‌ای متشکل از پانزده دقیقه پایانی دوازده گزارش فوتبال سیما - که چهار گزارشگر برجسته ارائه کرده‌اند - فراهم آمده و سپس میزان و نوع واحدهای حذف‌شده برپایه نگارش صفوی (۱۳۹۰) بررسی شده است. از سوی دیگر، نگارندگان سعی کرده‌اند براساس الگوی هلییدی و حسن (۱۹۷۶) نوع مقوله زبانی واحدهای حذف‌شده را نیز بررسی کنند. در این پژوهش، چهار نوع حذف طبقه‌بندی شده است: حذفی که به ابهام معنایی می‌انجامد؛ حذفی که در ارتباط خللی ایجاد نمی‌کند و از نظر صفوی، کاهش معنایی به‌شمار می‌آید؛ حذفی که تمایز زبان گفتار و نوشتار را مشخص می‌کند و حذف عناصر اختیاری زبان. پژوهش حاضر نشان می‌دهد بیش از نیمی از واحدهای حذف‌شده خللی در ارتباط ایجاد نمی‌کند و به‌نوعی، براساس ویژگی‌های گزارش فوتبال، کاهش معنایی تلقی می‌شود. از سوی دیگر، بررسی انواع حذف به‌لحاظ ویژگی‌های نحوی نشان می‌دهد نوع حذف‌های صورت‌گرفته با سه نوع حذف مورد نظر هلییدی و حسن یعنی حذف گروه فعلی، حذف گروه اسمی و حذف گروه‌بندی متفاوت است و انواع دیگری را نیز دربرمی‌گیرد. از یافته‌های دیگر پژوهش این است که رویکرد سنتی به حذف - که حذف را به قرینه لفظی و معنوی تقسیم می‌کند - نمی‌تواند حذف‌های رخ داده در گزارش‌های فوتبال سیما را توجیه کند. نتایج پژوهش ضمن اینکه فراوانی و انواع حذف در گزارش‌های فوتبال را مشخص می‌کند، نارسایی رویکرد سنتی به این مقوله را نیز می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: حذف، کاهش معنا، پیکره زبانی، بافت موقعیتی، بافت زبانی.

۱. مقدمه

این موضوع که گویشوران زبان واحد یا واحدهای زبانی را از سطح زبان بیرون می‌کشند، ذیل عنوان «حذف» مطرح می‌شود. به بیانی دیگر، حذف پدیده‌ای است برای دوری کردن از حشو. در تعریفی ساده‌تر می‌توان گفت حذف همان ناگفته^۱ گذاشتن یک یا چند عنصر است؛ در اینجا لفظ ناگفته به‌طور ضمنی این مفهوم را القا می‌کند که مطلب حذف‌شده شاید به‌گونه‌ای قابل فهم است.

هنگام بررسی آثار پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی درباره حذف، با مواردی روبه‌رو می‌شویم که توجه به آن‌ها پژوهش بیشتر درباره «حذف» در زبان فارسی را بیش از پیش ضروری می‌نماید. برخی از این نکات عبارت‌اند از:

۱. طبقه‌بندی جامع حذف با توجه به رویکردهای زبان‌شناختی؛

۲. استفاده از پیکره زبانی در بررسی حذف؛

۳. بررسی میزان فراوانی گونه‌های حذف در یک پیکره زبانی مشخص مانند گزارش‌های فوتبال سیما.

در این پژوهش، نگارندگان برآن‌اند تا ضمن معرفی گونه‌های حذف و طبقه‌بندی آن و سنجش میزان فراوانی هریک از گونه‌های حذف، با تکیه بر پیکره زبانی، به بررسی واحد یا واحدهای زبانی حذف‌شده‌ای بپردازند که در گزارش‌های فوتبال سیما به کاهش معنایی و یا ابهام منجر می‌شود. این پژوهش به‌منظور محقق کردن نحوه انتقال اطلاعات در برنامه زنده ورزشی انجام شده است. دلیل انتخاب این گزارش‌ها این است که در چنین گزارش‌هایی علاوه بر بافت زبانی، بافت غیرزبانی نیز قابل مشاهده است و در نتیجه، ماهیت مورد حذف‌شده بهتر مشخص می‌شود.

دو پرسش اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. میزان کاربرد حذف‌هایی که به ابهام یا کاهش معنا در گزارش‌های فوتبال سیما می‌انجامد، چقدر است؟

۲. به‌طور کلی، آیا حذف‌های موجود در پیکره زبانی فوتبال را می‌توان در چارچوب طبقه‌بندی دستور سنتی قرار داد؟

هدف از پژوهش حاضر، استخراج واحدهای زبانی حذف‌شده از گزارش‌های تلویزیونی فوتبال برای بررسی و طبقه‌بندی گونه‌های متفاوت حذف و همچنین بررسی میزان وقوع انواع

حذف واحدهای زبانی از نظر فراوانی در گزارش زنده فوتبال است. پژوهش حاضر با استناد به پیکره زبانی‌ای است که مدرس خیابانی (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «بررسی ناهنجاری‌های زبانی در گزارش‌های زنده ورزشی سیما و ارائه سازکارهای مناسب برای کاهش این ناهنجاری‌ها» بررسی کرده است. در پژوهش خیابانی پانزده دقیقه پایانی دوازده گزارش مربوط به چهار گزارشگر برجسته سیما ضبط شده است. در این پژوهش برآنیم تا با بررسی پیکره بنیاد حذف، به شناخت و بررسی مواردی بپردازیم که در آن‌ها حذف واحد زبانی به کاهش معنا و یا حتی در مواردی به ابهام منجر شده است.

۲. پیشینه پژوهش

به طور کلی، حذف یکی از خصوصیات همگانی زبان انسان است و اگر معادل‌ها و عناصر اجباری حذف نشود، بدون تردید گفتار انسان پر از موارد غیرضروری و ملال‌آور می‌شود. بررسی آثار متعدد دست‌نویسان و زبان‌شناسان درباره حذف از یکسو میزان اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد و از سوی دیگر بیان می‌کند که رویکرد و طبقه‌بندی واحدی در این باره وجود ندارد. برخی پژوهشگران ایرانی مانند خیام‌پور (۱۳۴۴)، شعار و حاکمی (۱۳۴۸)، فرشیدورد (۱۳۴۸)، دایی جواد (۱۳۵۰)، خزائی و میرمیرانی (۱۳۵۱)، دارایی (۱۳۵۳)، طالقانی (۱۳۵۴)، مشکور (۱۳۶۶)، شریعت (۱۳۶۷)، وزین‌پور (۱۳۶۹)، مرزبان‌راد (۱۳۷۰)، سلطانی (۱۳۷۱)، احمدی گیوی (۱۳۷۶)، میرعمادی (۱۳۷۷)، صفوی (۱۳۸۳)، ماهوتیان (۱۳۸۴)، قریب و همکاران (۱۳۸۵)، وحیدیان کامیار (۱۳۸۶) و صفوی (۱۳۹۰) و همچنین برخی پژوهشگران غیرایرانی مانند راسل^۲ (۱۹۶۷)، زگ^۳ (۱۹۷۶)، هلیدی و حسن^۴ (۱۹۷۶)، ویلیامز^۵ (۱۹۷۷)، نیت^۱ (۱۹۷۹)، لوپک^۶ (۱۹۸۶) و ترسک^۸ (۱۹۹۳) در آثار خود حذف در زبان را بررسی کرده‌اند. آرای این پژوهشگران اغلب در چارچوب دیدگاه سنتی بوده و نظریات آن‌ها به دسته‌بندی حذف محدود است که نمی‌تواند اقسام حذف را به طور جامع پوشش دهد. همچنین، آن‌ها بر این باورند که حذف یا بر قرینه لفظی صورت می‌گیرد و یا بر قرینه معنوی؛ اما با توجه به دستاوردهای پژوهش حاضر می‌توان گفت این چنین نیست و حذف فقط به این دسته‌بندی‌ها محدود نمی‌شود. در میان پژوهشگران حاضر، شریعت و مشکور طبقه‌بندی جامع‌تری از حذف به دست داده‌اند و دیدگاهشان به حذف، در مقایسه با سایر

زبان‌شناسان، بازتر و جامع‌تر است. صفوی (۱۳۹۰) نیز با رویکردی نو به این مسئله پرداخته است. از میان زبان‌شناسان غیرایرانی، هلیدی و حسن (۱۹۷۶) حذف را در قالب گروه تقسیم‌بندی کرده و با رویکردی متفاوت از این منظر حذف را بررسی‌ده‌اند.

۳. چارچوب نظری پژوهش

برای رسیدن به دستاوردهای پژوهش حاضر، نگارندگان به بررسی تمام آثار موجود دربارهٔ حذف در زبان فارسی پرداخته و بسیاری از آثار زبان‌شناسان غیرایرانی را نیز کاویده‌اند. با توجه به تقسیم‌بندی متفاوت و جامع حذف از هلیدی و حسن (۱۹۷۶) از یکسو و نگاه متفاوت صفوی (۱۳۹۰) به مقولهٔ حذف و تمایز قائل شدن او میان حذف و کاهش معنایی از سوی دیگر، این دو رویکرد یعنی رویکرد هلیدی و حسن (۱۹۷۶) و رویکرد صفوی (۱۳۹۰) چارچوب نظری پژوهش را تشکیل می‌دهند.

از نظر هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، حذف اساساً فرایندی پیش‌مرجعی است و عنصر حذف‌شده با توجه به مرجع قبلی خود بازسازی می‌شود. البته، حذف پس‌مرجعی نیز وجود دارد که در واقع حذف از نوع «برون‌متنی» است؛ به طوری که معنای آن از بافت موقعیت استنباط می‌شود. برای نمونه، وقتی خانم خانه‌داری با دیدن «شیرفروش» می‌گوید: Two please! حذف با توجه به بافت موقعیت انجام گرفته و از نوع برون‌متنی است.

هلیدی و حسن به مقایسهٔ سه مقولهٔ ارجاع، جانشینی و حذف به قرینه پرداخته و معتقدند ارجاع یک پیش‌انگاری در «سطح معنایی»^۱ است؛ ولی حذف و جانشینی فرایندهایی در سطح ساختار و واژه هستند و وجه تمایزشان در این است که در جانشینی، واژه‌های خاص جایگزین جایگاه خالی می‌شود؛ ولی در حذف آن جایگاه به صورت تهی باقی می‌ماند. این دو فرایند صوری هستند و برای بازسازی آن‌ها باید به متن مراجعه کنیم. هلیدی و حسن برای فرایند حذف انواع «حذف اسمی»^{۱۱}، «حذف فعلی»^{۱۲} و «حذف بندی»^{۱۳} را در نظر گرفته‌اند:

۳-۱. حذف اسمی

منظور از «حذف اسمی» حذفی است که در گروه اسمی رخ می‌دهد. ساختار گروه اسمی از یک هسته^{۱۴} و وابسته^{۱۵}‌هایی اختیاری تشکیل شده است که به صورت پیشین و پسین نسبت به

هسته قرار می‌گیرند و به ترتیب «وابسته‌های پیشین»^{۱۶} و «وابسته‌های پسین»^{۱۷} نام دارند. برای نمونه در جمله یک، «trains» هسته، «those two fast electric» وابسته پیشین و «with pantographs» وابسته پسین است:

1. Those two fast electric trains with pantographs.

هلیدی و حسن (1976: 147) برای گروه اسمی در زبان انگلیسی این وابسته‌ها را معرفی کرده‌اند: «شاخص‌ها»^{۱۸} یا همان عبارت‌های اشاره‌ای، «عبارت‌های عددی»^{۱۹} که یک عدد یا کمیت‌نماست، «صفت»^{۲۰}، «مقوله‌ساز»^{۲۱} و «عبارت وصفی»^{۲۲} که یک عبارت موصولی و یا گروه حرف اضافه‌ای است. در صورت وجود هسته، نقش آن را «اسم عام»، «اسم خاص»، «عبارت‌های ضمیری» و همچنین «ضمایر شخصی»- که عناصر ارجاعی نیز هستند- می‌توانند ایفا کنند؛ اما در صورت حذف هسته، یکی از وابسته‌های ذکرشده جایگزین هسته می‌شود و نقش آن را برعهده می‌گیرد (Ibid). به عبارت دیگر، حذف اسمی ارتقای یک وابسته به جایگاه هسته است:

2. Four other oysters followed them,

3. And yet another four.

در نمونه شماره سه که ادامه نمونه دو است، واژه four عبارت عددی به شمار می‌آید و به‌عنوان وابسته جایگزین هسته نقش آن را می‌پذیرد و این همان فرایند ارتقا به هسته است (Ibid: 148).

هر گروه اسمی حذفی برای عنصر حذف‌شده به عناصر پیش‌انگاشتی متن رجوع می‌کند؛ بنابراین دارای انسجام است. برای این بازیابی دو روش وجود دارد که عبارت‌اند از: الف. برگرداندن عنصر دارای نقش هسته به گروه؛ مانند نمونه چهار:

4. Another four (oysters)

ب. اضافه کردن «عبارت توصیفی وابسته»^{۲۳} به گروه حذفی؛ مانند نمونه پنج:

5. Another four (of the oysters)

شاید بتوان گفت گروه اسمی‌ای که هسته آن شاخص، عدد، صفت و یا مقوله‌ساز باشد، گروه

۲-۳. حذف فعلی

حذفی که درون گروه فعلی رخ می‌دهد، «حذف فعلی» می‌نامیم؛ مانند:

6. Have you ever been swimming? - Yes, I have

7. What have you been doing? - Swimming.



با توجه به پاسخ‌ها در مثال‌های شش و هفت آشکار است که در هر دو مورد عبارت کامل «I have been swimming» بوده است. یک گروه فعلی حذفی توسط پیش‌انگاری از گروه فعلی قبل از خود به بازاییبایی یک یا بیش از یک واژه می‌پردازد. در یک گروه فعلی فقط یک عنصر واژگانی وجود دارد و آن نیز خود فعل است؛ هرچند در تشکیل هر گروه فعلی مواردی مانند «ایستایی»^{۲۴}، «قطعیت»^{۲۵}، «حالت»^{۲۶} و «زمان»^{۲۷} نیز باید به‌طور اجباری حضور داشته باشد (Ibid: 167).

در حذف فعل می‌توان دو صورت را در نظر گرفت:

الف. حذف واژگانی:^{۲۸} حذف واژگانی زمانی رخ می‌دهد که فعل واژگانی یک گروه فعلی حذف شود (Ibid: 170)؛ به عبارتی، حذف واژگانی حذف از سمت راست است که اغلب شامل حذف آخرین کلمه گروه فعلی یعنی همان فعل واژگانی است و البته ممکن است عناصر قبل از آن را هم دربرگیرد^{۲۹} (Ibid: 173):

8. Have you ever being swimming? - Yes I have

9. I don't think he has (been (coming))

چنان‌که ملاحظه می‌شود، علاوه بر «coming» احتمال حذف عنصر سمت چپ «been» نیز وجود دارد.

«سؤال‌های تأکیدی»^{۳۰} در انگلیسی نیز نمونه‌هایی بسیار روشنی از حذف واژگانی هستند. این نوع سؤال‌ها بالاترین بسامد وقوع حذف واژگانی را به خود اختصاص داده‌اند (Ibid: 174):

10. Mary didn't know, did she?

ب. حذف عامل کمکی: حذف از سمت چپ در گروه فعلی را «حذف عامل»^{۳۱} می‌نامند. در این نمونه، عنصر واژگانی باقی می‌ماند و عنصر کمکی از گروه فعلی حذف می‌شود (Ibid: 174). عوامل کمکی همواره خودایستا هستند و اغلب در ابتدای گروه فعلی قرار دارند (Ibid: 170):

11. What have you been doing? - Swimming

12. They might or might not have objected.

در مجموع، می‌توان گفت با حذف عنصر کمکی، گروه فعلی ناخودایستا می‌شود و در نتیجه از طریق مرجع عامل محذوف می‌توان زمان آن را بازیافت؛ در صورتی که با حذف فعل واژگانی خودایستایی فعل باقی می‌ماند؛ زیرا با حضور فعل کمکی در جمله می‌توان به عامل زمان دست یافت (Ibid: 193).

۳-۳. حذف بندگی

«بند^{۳۲}» در انگلیسی نقش‌های گوناگون گفتاری مانند بیان سؤال، پاسخ و مانند آن‌هاست که شامل ساخت دوقسمتی «عنصر کمکی»^{۳۳} و «عنصر گزاره‌ای»^{۳۴} است. «عنصر کمکی» که نقش گفتاری بند را دارد، شامل فعل و عنصر خودایستا در گروه فعلی است و «عنصر گزاره‌ای» نیز گروه فعلی باقی‌مانده و متمم و ادات حاضر را شامل می‌شود. فرایند حذف ممکن است در هریک از این دو بخش رخ دهد. در واقع، دو نوع «حذف فعلی» بیشتر ذکر شده نیز ناشی از این دو تقسیم‌بندی حذفی است (Ibid: 197):

- حذف در بخش کمکی:

13. What was the duke going to do? - Plant a row of poplars in the park

- حذف در بخش گزاره‌ای:

14. Who was going to plant a row of poplars in the park? - The duke was

در میان زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی، هلیدی و حسن (1976) تنها زبان‌شناسانی هستند که حذف را در قالب گروه تقسیم کرده‌اند؛ از این رو نمی‌توان با استناد به آرای سایر زبان‌شناسان در این بخش به توضیح تکمیلی دربارهٔ اقسام حذف در چارچوب گروه پرداخت. اما دومین دیدگاه مورد بررسی این پژوهش، مقولهٔ حذف و کاهش معناست که صفوی (۱۳۹۰) آن را مطرح کرده است. برای درک بهتر موضوع دو نمونه ذکر می‌کنیم:

۱۵. هوشنگ انگار [نسبت به گذشته] چاق‌تر شده است. (کاهش)

همان‌طور که می‌بینیم، فقدان واحد زبانی «نسبت به گذشته» اطلاعات اصلی جمله را مخدوش نمی‌کند و معنا را بدون ابهام به مخاطب می‌رساند؛ پس کاهش معنایی به‌شمار می‌آید.

۱۶. معلم ما [زبان] فرانسه را خیلی خوب بلد است. (حذف)

در این جمله با حذف واحد زبانی «زبان»، با این ابهام روبه‌رو می‌شویم که آیا معلم ما کشور فرانسه را خوب بلد است یا زبان فرانسه را؛ پس حذف واحد زبانی «زبان» به اطلاعات معتبر و اصلی جمله خدشه وارد می‌کند و معنا با ابهام به مخاطب می‌رسد؛ پس شاهد حذف هستیم. در بسیاری از زنجیره‌ها و در تمام سطوح مطالعهٔ زبان واحدهایی می‌توانند از زنجیرهٔ کلام حذف شوند؛ ولی معنا و نقش خود را به واحدهای هم‌نشین انتقال دهند. به همین دلیل، صفوی (۱۳۹۰) فرایند «کاهش» را در پیوند با فرایند «افزایش معنایی»^{۳۵} آورده و معتقد است

هنگام کاهش واحدی از زنجیره کلام، واحدهای هم‌نشین از افزایش معنایی برخوردار می‌شوند و معنای واحد کاهش‌یافته را حفظ می‌کنند. در چنین شرایطی دو فرایند «حذف» و «کاهش» را از یکدیگر متمایز می‌دانیم؛ زیرا فرایند «حذف» بر درک ما از معنای زنجیره کلام تأثیر می‌گذارد؛ درحالی که در «کاهش» چنین نیست.

۴. تحلیل داده‌ها

پیکره این پژوهش پیکره زبانی است که مدرس خیابانی (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «بررسی ناهنجاری‌های زبانی در گزارش‌های زنده ورزشی سیما و ارائه سازکارهای مناسب برای کاهش این ناهنجاری‌ها» بررسی کرده است. این پیکره ۱۴۸۳۱ نماد^{۳۶} دارد که از ۲۶۰۱ نوع^{۳۷} تشکیل شده است.^{۳۸} در اینجا بخشی از پیکره را می‌آوریم:^{۳۹}

... be yâre šomâre do'e ** ke xub bâzi karde barâye timeš behtarinešun šomâre ye šunzdahešun bude ammâ az * vâqe'an čizi nadidim šâyad bištar morâqebe sâqhâye xodeše tâ betune * ro dar time ** râzi negah dâre forsât barâye ** yâre šomâre ye sizdahe unhâ * harekat mikonan forsât hast * bâz ham sâhebe tup miše barmigarde hameye ** defâ mikonan va felan hameye time ** dâr hameye ** hamle mikone va hameye time ** defâ mikone forsât barâye ** yebâr dige moqe'iyat ke tup be naf'e ** e'lâm miše...

پیکره مورد استفاده مدرس خیابانی به شکل آوانویسی شده ارائه شده است؛ اما در این پژوهش به صورت خط فارسی آمده است؛ ضمن اینکه علامت‌ها و حرف‌های به کار رفته در کنار هر بخش حذف شده- که داخل گیومه « » آمده است- نوع حذف را نشان می‌دهد. توضیح این علامت‌ها و حرف‌ها در جدول‌های شماره یک و دو آمده است. به نمونه‌ای از پیکره تحلیل شده بنگرید:

... «* -P»، «توپ را +P» به یار شماره ۲ ** «پاس می‌ده +X»، «یار شماره ۲ +P» که خوب بازی کرده «است X» برای تیمش، بهترینشون شماره ۱۶ شون بوده «است X» تاکنون در این مسابقه، اما از * واقعاً چیزی ندیدیم «در این بازی +V» شاید بیشتر مراقب ساق‌های خودش تا بتونه * رو در تیم ** راضی نگه داره، فرصت «حمله +P / ضربه +P / گل +P» برای **، «حالا +V» «به وجود می‌یاد +X». یار شماره ۱۲ اون‌ها * حرکت می‌کنن «به سمت دروازه تیم ** +V» فرصت «برای گل زدن +V / برای حمله کردن +V» ...

روش تحلیل پیکره مورد نظر به این صورت بوده است که ابتدا کل پیکره بررسی شد تا

واحدهای زبانی حذف‌شده آن با توجه به بافت موقعیتی و بافت زبانی از متن گزارش استخراج شود؛ سپس این واحدها به چهار دسته حذف، کاهش، حذف اختیاری و تمایز در گفتار و نوشتار به شرح زیر تقسیم شد (شایان ذکر است دو گروه حذف تمایز گفتار و نوشتار و حذف اختیاری به تقسیم‌بندی صفوی اضافه شده است):

۱. حذف (ارتباط مخدوش شده است):

- «* P^۱» به یار شماره ۲. (حتی در بافت موقعیتی هم مشخص نیست که منظور گزارشگر کیست.)

۲. کاهش (ارتباط مخدوش نشده است):

- «* توپ را می‌گیره+» «+و» ضربه سرش را «به توپ+» زد، اما «ضربه‌اش+» به «بازیکنان+» دفاع * هم برخورد کرد.

۳. تمایز گفتار و نوشتار (واحدهای زبانی که در گفتار ملزم نیستیم آن‌ها را بیان کنیم و ارتباط را مخدوش نمی‌کنند و در نوشتار لحاظ می‌شوند):
- خطای * از سوی داور این بازی گرفته شده «است».

۴. اختیاری (واحدهای زبانی حذف‌شده‌ای که ممکن است وقوعشان با توجه به بافت موقعیتی ارتباط را کامل‌تر کند و نبودشان در متن ارتباط را مخدوش نمی‌کند):
- ولی * «تاکنون» تا این لحظه از بازی «=» گلی به ثمر نرسونده.

نتیجه بررسی انواع چهارگانه حذف به این شرح است: در تحلیل کل داده‌های پیکره به ۶۸۰۹ مورد واحد زبانی حذف‌شده دست یافتیم که در جدول شماره یک توزیع فراوانی و درصد انواع آن آمده است.

جدول ۱ بررسی فراوانی انواع حذف

مقوله حذف	فراوانی	درصد
کاهش +	۴۷۳۲	۶۹/۵۲
حذف -	۸۵۱	۱۲/۵
تمایز گفتار و نوشتار ×	۸۳۵	۱۲/۲۶
اختیاری ÷	۳۹۰	۵/۷۲



بالاترین میزان فراوانی با ۶۹/۵۲ درصد به کاهش اختصاص دارد؛ پس از آن حذف با ۱۲/۵ درصد بیشترین درصد را داراست؛ حذف موجود در تمایز گفتار و نوشتار با ۱۲/۲۶ درصد در رتبه سوم قرار دارد و در پایان، حذف اختیاری با ۵/۷۲ درصد کمترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده است. اگر تمایز گفتار و نوشتار و حذف‌های اختیاری را کنار کاهش بگذاریم، مشخص می‌شود که به دلیل سیاق گزارش فوتبال- که در آن بافت غیرزبانی (موقعیتی) دیده می‌شود- میزان حذف در مقایسه با کاهش بسیار کمتر است. با وجود این، میزان ۱۲/۵ درصد حذف بیانگر تعدادی هرچند اندک از موارد مبهم در گزارش‌هاست.

اما آن‌گونه که اشاره شد، نگارندگان پیکره مورد بررسی را با توجه به رویکرد هلیدی و حسن (1976) که حذف را به سه گروه فعلی، اسمی و بندی تقسیم می‌کنند، بررسی کردند؛ ولی در ادامه با حذف‌هایی روبه‌رو شدند که در این چارچوب گنجانده نمی‌شد؛^{۴۱} از این رو با حفظ چارچوب اصلی، سه مورد دیگر را به این تقسیم‌بندی افزودند:

۱. گروه حرف اضافه‌ای V:

- اما از * واقعاً چیزی ندیدیم «در این بازی V»، / فرصت «برای گل‌زدن V / برای حمله‌کردن V» هست.

۲. گروه متمم‌نما W:

- * میره فرامی‌خونه سومین بازیکن تعویضی تیم ما رو به زمین بازی که من فک می‌کنم * هست «که باید تعویض شه W+» بله * هست که باید تعویض بشه.

۳. گروه اضافی Z:

- توپ توی دروازه «ی Z» «تیم * جای گرفت X».

۴. گروه اسمی P:

- * «ضربه را P / توپ را P» خوب گرفت.

۵. گروه فعلی X:

- «توپ P» توی دروازه «ی Z» «تیم * می‌ره X / تیم * جای می‌گیره X».

۶. گروه بندی Y:

- برنده این دیدار «تیم * بود Y».

میزان وقوع و فراوانی شش مورد حذف در جدول شماره دو مشاهده می‌شود.

جدول ۲ بررسی واحدهای زبانی براساس نوع گروه

نوع گروه	فراوانی	درصد
گروه فعلی X	۱۶۲۱	۲۳/۷۸
گروه اسمی P	۲۲۰۴	۳۲/۳۳
گروه بندی Y	۲۲۹	۳/۳۶
گروه حرف اضافه‌ای V	۲۴۲۴	۳۵/۵۷
گروه متمم‌نما W	۲۰۳	۲/۹۸
گروه اضافی Z	۱۳۵	۱/۹۸

بیشترین میزان فراوانی را گروه حرف اضافه‌ای با ۲۴۲۴ مورد دارد؛ پس از آن به ترتیب گروه اسمی، گروه فعلی، گروه بندی و گروه متمم‌نما بیشترین فراوانی را در پیکره به خود اختصاص داده‌اند و کمترین میزان فراوانی مربوط به گروه اضافی با فراوانی ۱۳۵ است.

۵. نتیجه‌گیری

حاصل این پژوهش به این شرح است:

- در تحلیل کل داده‌های پیکره به ۶۸۰۹ مورد واحد زبانی حذف‌شده دست یافتیم که براساس پژوهش‌های انجام‌شده و با رسیدن به میزان درصد وقوع این دو مقوله، می‌توان ادعا کرد به دلیل سیاق گزارش فوتبال، کاهش معنا با فراوانی ۴۷۲۲ یعنی ۶۹/۵۲ درصد از بیشترین میزان فراوانی برخوردار است و پس از آن حذف با ۱۲/۵، حذف موجود در تمایز گفتار و نوشتار با ۱۲/۲۶ درصد و درنهایت حذف اختیاری با ۵/۷۲ درصد قرار دارد.

- بررسی آرای زبان‌شناسان و دستورنویسان درباره حذف نشان می‌دهد دستور سنتی تمام انواع حذف مطرح‌شده را پوشش نمی‌دهد و می‌توان موارد دیگری مانند حذف گروه حرف اضافه‌ای، گروه متمم‌نما و گروه اضافی را به گونه‌های حذف افزود. معدود حذف‌هایی را می‌توان در پیکره پیدا کرد که برحسب قرینه باشد.

- حذف‌هایی که در پیکره مورد بررسی استخراج شدند، بیشتر کاهش معنا هستند؛ چون با توجه به بافت غیرزبانی (موقعیتی) و بافت زبانی گزارش‌های فوتبال، اطلاعات اصلی مخدوش نشده است و معنا به واسطه بافت زبانی و بافت موقعیتی به مخاطب منتقل می‌شود. سیاق گزارش

فوتبال به‌نوعی است که کاهش در آن بدیهی است و کاربرد زیادی دارد. هرچند با نمونه‌هایی روبه‌رو شدیم که معنا را مخدوش کرده، فراوانی آن‌ها در مقایسه با کاهش کمتر است.

- با توجه به آرای صفوی و به چالش کشیدن مبحث حذف و کاهش در آن، می‌توان راهی نو و متفاوت‌تر با آنچه تاکنون دست‌نویسان و زبان‌شناسان پیموده‌اند طی کرد و در قالبی نو به بررسی مبحث حذف و کاهش پرداخت.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. unsaid
2. J.R. Rossel
3. I.A. Sag
4. M.A.K. Halliday & R. Hassan
5. E. Williams
6. A. Neijt
7. A. Lobeck
8. R.L. Trask
9. exophoric
10. semantic
11. nominal ellipsis
12. verbal ellipsis
13. clausal ellipsis
14. head
15. modifier
16. premodifier
17. post modifier
18. deictics
19. numerative
20. epithet
21. classifier
22. qualifier
23. qualifier partative
24. finiteness
25. polarity
26. voice
27. tense
28. lexical ellipsis

۲۹. البته چنین مواردی دربارهٔ زبان انگلیسی مطرح شده و ممکن است در زبان‌های دیگر متفاوت باشد.
30. tag questions

31. operator ellipsis
32. clause
33. modal element
34. propositional element
35. semantic increasing
36. token
37. type

۳۸. منظور از نماد تعداد نموده‌های یک نوع است؛ برای نمونه ممکن است صورت زبانی الف بیست بار در پیکره به‌کار رفته باشد. در چنین شرایطی می‌گوییم الف نوعی است که بیست نماد دارد.
۳۹. در پیکره مورد استفاده مدرس خیابانی (۱۳۸۹) از علامت * و ** به‌ترتیب به‌جای نام افراد و باشگاه‌ها استفاده شده است.
۴۰. در اینجا منظور از * نام بازیکن است.
۴۱. البته بیشتر این موارد نمونه‌های حذف اختیاری است و شاید به همین دلیل در قالب حذف مورد نظر هلیدی و حسن قرار نگرفته است.

۷. منابع

- انوری، حسن و احمدی گیوی (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی (۲)*. تهران: فاطمی.
- خزائی، محمد و سید ضیاءالدین میرمیرانی (۱۳۵۱). *دستور زبان فارسی*. تهران: جاویدان.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۸۶). *دستور زبان فارسی*. تبریز: نشر ستوده.
- دایی جواد، رضا (۱۳۵۰). *دستور زبان فارسی*. اصفهان: نشر شهسواری.
- سلطانی گرد فرامرزی، علی (۱۳۷۱). *ادبیات فارسی*. تهران: مبینکران.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۶۷). *دستور زبان فارسی*. تهران: اساطیر.
- شعار، جعفر و اسماعیل حاکمی (۱۳۴۸). *گفتارهای دستوری*. تهران: امیرکبیر.
- صفوی، کورش (۱۳۹۰). «حذف یا کاهش» در *دومین کارگاه تخصصی معناشناسی*. انجمن زبان‌شناسی ایران. تهران: اهورا.
- طالقانی، سیدکمال (۱۳۵۸). *اصول دستور زبان فارسی*. اصفهان: امیرکبیر مشعل.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۴). *ساخت زبان فارسی*. تهران: احیای کتاب.
- قریب، عبدالعظیم، همایی، یاسمی، ملک‌الشعرای بهار و فروزانفر (۱۳۸۵). *دستور زبان*



- فارسی (پنج استاد). تهران: ناهید.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. تهران: نشر مرکز.
 - مدرس خیابانی، شهرام (۱۳۸۹). *بررسی ناهنجاری‌های زبانی در گزارش‌های زنده ورزشی سیما و ارائه سازوکارهای مناسب برای کاهش این ناهنجاری‌ها*. تهران: طرح پژوهشی در مرکز زبان و رسانه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
 - مرزبان‌راد، علی (۱۳۷۰). *دستور سوومند*. تهران: جهاد دانشگاهی.
 - مشکور، محمدجواد (۱۳۶۶). *دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی*. تهران: مطبوعات شرق.
 - میرعمادی، سیدعلی (۱۳۷۷). *نحو زبان فارسی برپایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی*. تهران: سمت.
 - وحیدیان، کامیار (۱۳۸۶). *دستور زبان فارسی (۱)*. تهران: سمت.
 - وزین‌پور، نادر (۱۳۶۹). *دستور زبان فارسی آموزشی*. تهران: معین.
 - Halliday, M.A.K. & R. Hassan (1976). *Cohesion in English*. London and New York: Longman.
 - Lobeck, A.C. (1986). *Syntactic Constraints on VP Ellipsis*. Dissertation. University of Washington. Bloomington: Indiana University Linguistics Club.
 - Neijt, A. (1977). *Gapping: A Contribution to Sentence Grammar*. Dordrecht: Foris.
 - Rossel, J.R. (1967). *Constraints on Variables in Syntax*. Dissertation: MIT. Published as *Infinite Syntax*, (1986). Norwood; N.J: Ablex.
 - Richards, J.C., J. Platt & H. Platt (1992). *Longman Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics*. Second Edition. Essex: Longman.
 - Sag, I.A. (1976). *Deletion and Logical Form*. Dissertation: MIT. New York: Garland.
 - Trask, R.L. (1993). *A Dictionary of Grammatical Terms in Linguistics*. London: Routledge.
 - Williams, E. (1977). "Discourse and Logical Form". *Linguistics Inquiry*. No. 8. Pp. 103-139.

Translated Resources:

- Anvari, Hassan & Ahmadi Givi (2000). *Persian Grammar (Part 2)*. Tehran: Fatemi Publications [In Persian].
- Dayi-Javad, Reza (1971). *Persian Grammar*. Isfahan: Nasher Shahsavari [In Persian].
- Farshid-Vand, Khosro (1995). *Structure of Persian Language*. Tehran: Ehya'e Ketab [In Persian].
- Garib, Abdol-azim, Homaie, Yasami, Maleko-sho'ara Bahar & forozanfar (2006). *Persian Language Grammar (Five Master)*. Tehran: Nashre-Nahid [In Persian].
- Khayampour, Abdorrasoul (2007). *Persian Grammar*. Tabriz: Nashr-e-Setoudeh [In Persian].
- Khazaeli, Mohammad & Seyyed Zia' addin Mirmirani (1972). *Persian Grammar*. Tehran: Javadin Publications [In Persian].
- Mahoutian, Shahrzad (2005). *Persian Language Grammar from Typology Perspective*. Tehran: Nashre-Markaz [In Persian].
- Marzban-Rad, Ali (1991). *Useful Grammar*. Tehran: Jihad Daneshgahi [In Persian].
- Mashkour, Mohammad Javad (1987). *Dastoor Nameh in the Persian Language Grammar*. Tehran: Matbouat-e-Sharq [In Persian].
- Mir-Emadi, Seyyed Ali (1998). *Persian Language Syntax based on the theory of Hakemiat Va Marja' Gozini*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Modarres Khaibani, Shahram (2010). *Investigation of Language in Anomalities in the TV Live sports reports and Presenting Appropriates Guidelines for reducing Such Anomalities*. Tehran: Research Project in the Language and Media Center of Islamic Republic of Iran's TV & Radio [In Persian].



- Safavi, Koroush (2011). "Maqale Hazf ya Kahesh". *Iranian Association Linguistics*. Isfahan: Amir Kabir Mash'al [In Persian].
- Shari'at, Mohammad Javad (1988). *Persian Literature*. Tehran: Asatir [In Persian].
- Shi'ar Jafar & Ismail Hakemi (1969). *Grammatical Discourses*. Tehran: Amir Kabir [In Persian].
- Soltani Gord Faramarzi, Ali (1992). *Persian Literature*. Tehran: Mobtakeran [In Persian].
- Taleghani, Seyyed Kamal (1979). *Principles of Persian Language Grammar*. Isfahan: Amir Kabir Mash'al [In Persian].
- Vahidian, Kamyar (2007). *Persian Language Grammar (1)*. Tehran: SAMT [In Persian].
- Vazin-Pour, Nader. (1369). *Grammar of Persian Language*. Tehran: Moein [In Persian].

۸. نمایه

مقوله حذف	علامت اختصاری	مقوله حذف	علامت اختصاری
حذف	-	کاهش	+
اختیاری	÷	تمایز گفتار و نوشتار	×

مقوله	نمایه	مقوله	نمایه	مقوله	نمایه
گروه فعلی	X	گروه حرف اضافه‌ای	V	گروه اسمی	P
گروه اضافی	Z	گروه بندی	Y	گروه متمم‌نما	W